شخصیت هفته

۴۵ سال با یک بچه یتیم

اگر قرار بود در لیست صادرات و واردات کشور، مجید را هم محاسبه کنیم احتمالا کفه ترازو به شدت به نفع صادرات غیرنفتی سنگینی می‌کرد و بدجور فیوز خیلی‌ها را می‌پراند. می‌گویید نه! ادامه خبر را بخوانید تا متوجه شوید داریم از چه چیزی صحبت می‌کنیم.

در سومین روز از برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب بلگراد از کتاب «قصه‌های مجید» به زبان صربی تألیف هوشنگ‌مرادی کرمانی رونمایی شد. این مراسم با استقبال مخاطبان صرب همراه شد.

آن‌طور که روابط عمومی موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران به جام‌جم خبر داده، این مراسم با همکاری موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران و رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در صربستان و با حضور نویسنده کتاب قصه‌های مجید به زبان صربی برگزار و رونمایی شد. در این مراسم هوشنگ مرادی کرمانی و الکساندر دراگوویچ مترجم کتاب و جمعی از علاقه‌مندان ادبیات ایران حضور داشتند.

هوشنگ مرادی‌کرمانی، نویسنده کتاب قصه‌های مجید ضمن تشکر از دست‌اندرکاران برگزاری این نشست ابتدا اشاره‌ای به تاریخچه تألیف کتاب قصه‌های مجید داشت و گفت: «مجید» ۴۵ سال پیش که من ۳۰ ساله بودم، متولد شد و کم‌کم همراه من پیر می‌شود.

وی به روند خلق «قصه‌های مجید» اشاره کرد و گفت: من آن زمان نویسنده رادیو ایران بودم. وقتی پیشنهاد تولید قصه‌های مجید را دادم که بچه یتیمی است که با مادربزرگش زندگی می‌کند، رئیس رادیو به‌شدت مخالفت کرد و گفت ما نمی‌خواهیم شادی عید مردم را با یک بچه یتیم که قهرمان اصلی یک داستان است، تلخ کنیم. من خیلی تلاش کردم که یکی از داستان‌ها را به دست رئیس رادیو برسانم که بخواند. وقتی موفق شدم، او به‌جای آن‌که اشکش سرازیر شود، کلی خندید و همین باعث شد که قصه‌ها به رادیو راه یابند؛ زیرا من از دیدگاه طنز، موقعیتی غمگین را تصویر کرده بودم.

خالق قصه‌های مجید در ادامه گفت: بیش از ۱۶۰ داستان درباره این بچه یتیم نوشته است که ۳۸ داستان در قالب کتاب چاپ‌شده و در حال حاضر به بیش از ۱۲ زبان زنده دنیا ترجمه‌شده و در ایران در سال‌های گذشته به‌عنوان یک سریال پربیننده، مخاطب زیادی داشت. ایشان اظهار امیدواری کرد که ترجمه صربی این کتاب نیز در این کشور با استقبال خوبی روبه‌رو شود.



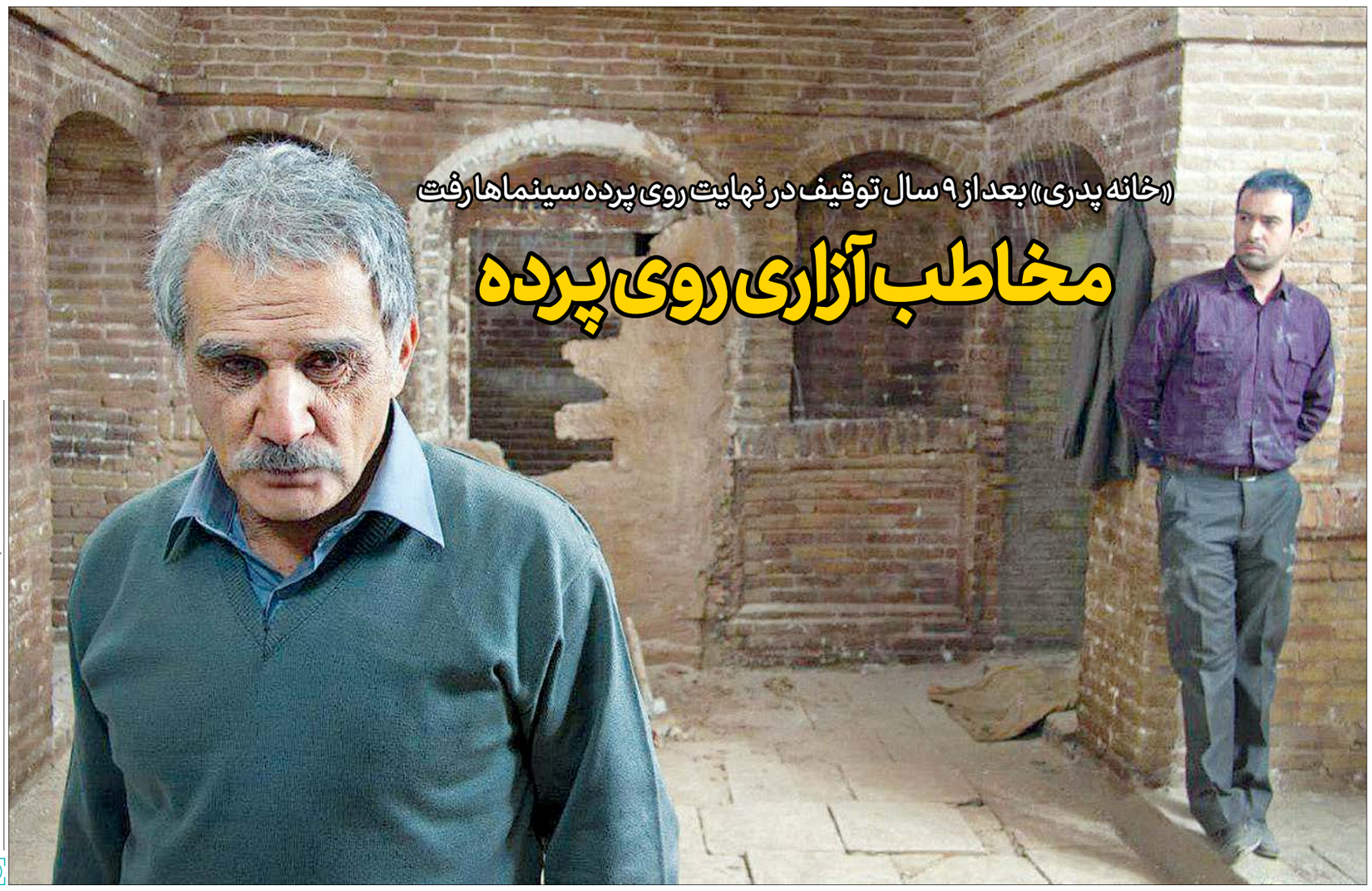

«خانه پدری» بعد از ۹ سال توقیف در نهایت روی پرده سینماها رفت

مخاطب آزاری روی پرده

منتقدان عقیده دارند «خانه پدری» تصویری نامتعارف از خانواده ایرانی نشان می‌دهد


ساناز قنبری
سینما

دوربین وارد یک خانه قدیمی و سنتی می‌شود، می‌چرخد و ما پدر و پسری خشمگین را می‌بینیم. در به تندی زده می‌شود، دختری وحشت‌زده وارد خانه می‌شود و برادر سر خود را از در بیرون می‌برد که ببیند آیا در کوچه خبری هست یا نه! دختر را به سمت زیرزمین می‌برند. زیرزمینی که پدر به پسر کوچکش سپرده تا قبری را در آن حفر کند برای وقتی که دخترش را کشت، آنجا بی‌سر و صدا دفنش کند! دختری که به تعبیر مردان خانواده و کوچه و بازار باعث بی‌آبرویی شده. او را می‌کشند و در همان قبر دفن می‌کنند. سال‌ها یکی پس از دیگری می‌گذرد و افراد و اعضای خانواده درگیر و دار این قتل حوادثی را تجربه می‌کنند که در جای خود قابل بررسی است. «خانه پدری» شروعی توفانی دارد.

داستان با سکانسی میخکوب کننده از سال ۱۳۰۸ و او اخر دوره قاجار آغاز می‌شود و تبعات آن تا سال ۱۳۷۹ ادامه پیدا می‌کند. هیچ تردیدی نیست تماشای پدر و برادری که به دنبال دختری می‌دوند و در نهایت کشتن وحشتناک دختری به دست پدرش هر تماشاگری را در جای خود خشک می‌کند.

این سکانس بدون شک سکانس متفاوتی در سینمای ایران محسوب می‌شود و عیاری با این‌که دست روی سوژه حساسی در فیلمش گذاشته، اما آیا این همه خشونت و داستانی سراسر تلخ برای مخاطب فایده‌ای هم دارد؟

ادامه در صفحه ۱۱



مردم مشهد در پویش فرهنگی خدمت جهاد میزبان زائران می‌شوند

#همه_خادم_الرضائیم


زینب مرتضایی فرد
ادبیات و هنر

بیش از ده هزار نفر اعلام آمادگی کرده‌اند، یکی گفته می‌خواهد کفش زائران را واکس بزند و دیگری اعلام آمادگی کرده تا چند روزی مطبش را رها کند و در موکب‌ها زائران امام رضا(ع) را به طور رایگان معاینه کند. دیگری در خانه‌اش را باز کرده و گفته مهمانان امام رضا، مهمان او هستند. خیلی‌ها در هر جایگاهی که هستند، به اندازه توان و وسعشان اعلام آمادگی کرده‌اند تا در خدمت زائرانی باشند که ایام شهادت امام رضا (ع) را در مشهد می‌گذرانند.

همکاری مردم تلاش می‌کند برای زائرانی که در روزهای پایانی ماه صفر و ایام شهادت امام رضا(ع) راهی مشهد می‌شوند، شرایط بهتری را فراهم کرده و فرهنگ میزبانی را در این شهر که در همه ایام سال هم میزبان زائرانی از گوشه و کنار ایران و دیگر کشورهای مسلمان است، ارتقا دهند.

آن‌طور که حجت‌الاسلام والمسلمین بذرگری هاشمی، معاون فرهنگی سازمان فرهنگی آستان قدس رضوی درباره این پویش به جام جم می‌گوید، «خدمت جهاد» رویکرد اصلی ارتقای فرهنگ میزبانی در شهر مشهد است. او توضیح می‌دهد: تجربیاتی که زائران ایرانی در سفرهای ایام اربعین به کشور عراق داشته و برخوردهای مهمان‌نوازانه‌ای که از مردم این کشور دیده‌اند، فضای خوبی را ایجاد کرده که با برنامه‌ریزی و ساماندهی آن می‌توان زمینه مناسبی برای میزبانی از زائران میلیونی مشهد در ایام شهادت امام رضا(ع) فراهم کرد.

او می‌گوید: در شروع این پویش ما برای مردم پیامک فرستاده و از آنها خواستیم در صورت تمایل به همکاری در پذیرایی، اسکان، حمل و نقل و یاری رساندن به زائران ما را مطلع کنند. پیش‌بینی ما در آغاز کار همکاری ۲۰ هزار نفر بود که تا امروز ده هزار نفر اعلام آمادگی کرده‌اند و تصور می‌کنیم رقم مدنظرمان تا روزهای قبل از شهادت امام رضا(ع) محقق شود.

معاون فرهنگی سازمان فرهنگی آستان قدس رضوی همچنین اظهار می‌کند: این‌که مردم به طور خودجوش در اولین فراخوان اعلام شده تا این حد اعلام آمادگی کرده و درخواست مشارکت داشته باشند اتفاق مبارکی است و این نوید را می‌دهد که طی سال‌های آینده بتوانیم برنامه‌های منسجم و خوبی در این ایام داشته باشیم.

اما چه کسانی برای خدمت‌رسانی در این ایام اعلام آمادگی کرده و دوست دارند چه خدماتی را به زائران امام هشتم ارائه کنند؟ حجت‌الاسلام والمسلمین بذرگری‌هاشمی در این‌باره می‌گوید: از طیف‌های مختلف جامعه و برای خدمت‌رسانی‌های متفاوتی اعلام آمادگی کرده‌اند. از واکس زدن کفش‌ها گرفته تا پزشکی که گفته در موکب‌ها حاضر می‌شود و زائران را رایگان معاینه می‌کند. خیلی‌ها هم اعلام آمادگی کرده‌اند که خانه‌هایشان را به اسکان زائران اختصاص خواهند داد.

از زائران پیاده تا همسایگان مرزی

اینجا هم زائر پیاده داریم، همان‌طور که خیلی‌ها برای اربعین پای پیاده می‌روند کربلا، خیلی‌های دیگر هم قبل از شهادت امام رضا(ع) راهی جاده می‌شوند و قدم به قدم با جان و دل، خود را به حرمش می‌رسانند. سال گذشته حدود ۴۳۰ هزار نفر با پای پیاده راهی مشهد شده‌اند و خدمت‌رسانی به همین تعداد زائر می‌تواند فرصت خوبی برای مردمی باشد که دوست دارند به زائران ضامن آهو خدمت کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین بذرگری‌هاشمی حضور زائران غیرایرانی را از کشورهای پاکستان، عراق و همچنین کشورهای عربی پررنگ دانسته و بر این هم تاکید می‌کند که اهل سنت ایران در آیین شهادت امام رضا(ع) حضور پررنگی دارند و سال گذشته بیش از هزار نفر اهل سنت از سراسر ایران به مشهد مشرف شده بودند. البته به گفته او هیئات مذهبی مشهد هم رقم بزرگ ۴۰۰۰ را به خود اختصاص داده بودند و ساماندهی این هیئات هم می‌تواند امکان خوبی را برای میزبانی بهتر زائران آقا امام رضا(ع) فراهم کند.

معاون فرهنگی سازمان فرهنگی آستان قدس رضوی در پایان سخنانش اظهار امیدواری می‌کند، طی سال‌های آینده میزبانی زائران امام رضا(ع) کاملا ساماندهی شده باشد و در این ایام حماسه مذهبی بزرگی مشابه آنچه در مسیر پیاده‌روی اربعین دیده می‌شود، شکل بگیرد.

منزل من هم زائرسراست

جواد علما، مسؤول پویش «منزل من هم زائرسراست» علت اصلی شکل‌گیری این کمپین را تجربه‌ای می‌داند که در پیاده‌روی اربعین داشته است. او در این‌باره می‌گوید: توفیق شرکت در پیاده‌روی اربعین را داشته‌ام و می‌دانم که در این پیاده‌روی‌ها مشکل اصلی زائران بحث اسکان است. پویش «منزل من هم زائرسراست» بهترین موقعیت برای این افراد است تا شاید با این عمل بتوانند شکرانه همجواری با بارگاه علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) را به جا آورند.

علما در گفت‌وگو با مهر می‌افزاید: مشکلات اقتصادی و کمبود مکان اسکان همیشه از دغدغه‌های اصلی زائران بوده است؛ بنابراین در پویش «منزل من هم زائرسراست» از ظرفیت منازل مسکونی مردم مشهد استفاده خواهد شد.

به گفته او، در این طرح افرادی که تمایل به خدمت‌رسانی به زائران امام رضا(ع) را دارند، همچنین زائرانی که تمایل به دریافت خدمات اسکان رایگان دارند نیز نام خود را به سامانه ارسال می‌کنند. از طریق اطلاع‌رسانی خانه‌ها را شناسایی می‌کنیم و افراد می‌توانند از ظرفیت اسکان این منازل در این ایام استفاده کنند.

افرادی که قرار است مهمان این طرح باشند باید کد ۶۶ را به سامانه ۱۰۰۰۸۸۸۰۸۰ ارسال کنند و کسانی که می‌خواهند ارائه‌دهنده خدمت باشند کد ۵۵ را.

پشت صحنه

یامورلو بیرگون

اگر ترکی استانبولی نمی‌دانید، معنی‌اش می‌شود «یک روز بارانی»! فکرش را هم نکنید که نگارنده این پشت صحنه احیانا به این زبان خارجه مسلط باشد یا حتی در حد راه افتادن امورات روزمره و جزئی و در حد و اندازه سطح مبتدی هم چیزی از آن می‌دانم، بلکه سر ظهری که شال و کلاه کردیم (البته دروغ چرا فقط با یک تی‌شرت ساده و یک لاقبا آمدم آن هم در این هوایی که به‌تدریج سردی‌اش برای آدمی خط و نشان می‌کشد) و وارد تحریریه شدیم، دیدیم تعدادی دوستان جمع شده‌اند و دارند به زبان شیرین همسایه با هم اختلاط می‌کنند. دانستن زبان خارجی برای هرکسی، می‌تواند ضروری و کارراه‌انداز باشد و دنیای جدیدی را به روی او باز کند، برای ما خبرنگارها و روزنامه‌نگارها که این مساله از واجبات است. منتهی بعضی‌ها تنبلی می‌کنند یا به اشتباه چنین نیازی را احساس نمی‌کنند و برخی هم مثل این همکاران کاردرست ما نسبت به فراگیری یک زبان خارجی اقدام کرده‌اند.

نمی‌دانم مال آن باران دیروز بود یا نه، اما حالت تحریریه طبیعی نبود و التهاب بامزه‌ای داشت؛ محمدصادق علیزاده، دبیر گروه فرهنگی کاغذی تایپ کرد و در گوشه‌ای قابل دید از کتابخانه جمع و جورش چسباند و برای کتابخوان‌های تحریریه و طبقات دیگر خط و نشان کشید اگر کتابی را به امانت می‌برید، اسم و تاریخ به امانت گرفتن را هم در سررسید موجود، ثبت کنید. اما صادق نگفت آن که از امانت فراتر می‌رود و کلا کتابی را می‌برد و صدایش را درنمی‌آورد، باید چه کند و چه در سررسید بنویسد!

قهرمان دیروز ما البته صابر محمدی بود که دبیر محترم، به قصد مزاح کلاه‌کاسکتی مشکی سرش گذاشت و ناخواسته او را سوژه درون روزنامه‌ای کرد. صابر هم صبوری کرد و این را گذاشت کنار داغی نسکافه‌ای که چند دقیقه قبل‌ترش، شلوارش را نشانه رفت و دم برنیاورد.

اما به‌جز اینها اگر رخصت بدهید کمی هم از آنچه خواهید خواند بنویسیم؛ در همین صفحه مطلبی داریم درباره یک پویش فرهنگی در مشهد که معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی آن را برنامه‌ریزی کرده است.

در صفحه ۱۰ همکارانمان سراغ بحث یارانه کاغذ مطبوعات رفتند؛ این‌که چرا یارانه به موسسات و نشریاتی اختصاص پیدا می‌کند که اصلا منتشر نمی‌شود یا راهی به کیوسک‌ها پیدا نمی‌کند؟

در صفحه ۱۱ هم همکاران سینمایی خانه پدری ساخته کیانوش عیاری را سوژه کرده‌اند که قرار است از امروز اکران شود، آن هم باتوجه به اما و اگرهایی که درباره فیلم مطرح است.

در صفحه ۱۲ هم گفت‌وگویی خواهید خواند با آیت... سجادی که یکی از نزدیکان مرحوم سیدمصطفی خمینی، فرزند ارشد حضرت امام (ره) است. مناسبت این مصاحبه هم تاریخ درگذشت سیدمصطفی خمینی است.